

کاتب حقیقی، کاتب اول

حمید عجمی

عاشقی با قامت ابرو کمندی کرده‌ایم
با همه پستی تمنای بلندی کرده‌ایم
آنچه هنر را قوام می‌بخشد، فراق است، اما چه کند انسان بی‌پناه که هرچه در تدبیر رفع
حجاب و فراق در عرصه هنر می‌کوشد، تلاش و تدبیرش منتهی به تغلیظ حجاب‌ها و
شیفتگی مضاعف می‌گردد که البته در قلمرو معارف اصیل اسلامی این تلاش
تحقق‌بخش حقیقت انسانی است و جایگاهی بس رفیع دارد.
مدید مدتی است که دل‌باختگان عرصه هنر، در فراق محبوب ازلی، به نجوا با قلم شکسته
و الفاظ دلفریب و دلی آکنده از آرزوی دیدار، گلایه خویش را بر گوش عالم برمی‌خوانند
و چون شمعی پرفروغ، مسیر در پیش را منور می‌کنند، بدان امید که بر مکر فلک
مستوئی گشته، نسیم وصل را به جان خویش بشارت دهند.
فلک را غیر از این خود نیست کاری
که یاری را جدا سازد ز یاری (۱)

کاتب سرمدی

در میان همه هنرها خوشنویسی را می‌توان مهم‌ترین نمونه تجلی روح اسلامی به شمار
آورد، که خود قرآن نیز بر اهمیت نوشتن تأکید کرده است. (۲)
«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ / ن / وَالْقَلَمِ و مَا یَسْطُرُوْنَ» (۳)
«اختراع خط به حدی مهم است که برخی آن را در ردیف لغت قرار داده و انسان را دارای
دو زبان، یکی زبان بیان و دیگری زبان بنان دانسته‌اند، چه، خط معانی را از راه چشم ابلاغ
می‌کند و لغت معانی را از راه گوش و با این کیفیت، هر دو به یک وسیله ابلاغ معانی
می‌کنند، مضافاً این که خط [مکتوب] وسیله ابلاغ معانی نسبت به دور و نزدیک است،
و لغت [الفاظ شفاهی] فقط می‌تواند نسبت به نزدیک معانی را ابلاغ کند.» (۴)
«اگر خط نبود افکار سلف به خلف نمی‌رسید و با این حال، سلسله افکار منقطع می‌گردید
و تمدن رو به کمال نمی‌رفت.» (۵)
در اولین سوره نازل شده (علق ۴۳)، خداوند قادری متعال توصیف شده است که انسان را
به وسیله قلم آموزش داد، و در سوره قلم، سوگند این‌گونه آغاز می‌شود: «نون» «و قسم به
قلم و آنچه می‌نویسد.» (۶)
موضوع «نوشتن» در سوره‌های دیگر قرآن نیز یافت می‌شود. «بل هو قرآن مجید فی لوح
محفوظ بلکه این کتاب قرآن بزرگوار الهی است که در لوح محفوظ حق نگاشته است»
(بروج ۲۱۲۲)... بدین ترتیب نوشتن دارای منشاء الهی است، حتی امروز نیز مسلمانان
سرنوشت را «مکتوب» (نوشته شده) می‌نامند و در زبان ترکی به آن «آنچه به دست نوشته
شده» می‌گویند و بدین ترتیب در بسیاری از اشعار، خداوند «کاتب سرمدی» نامیده شده
است.
بر این گواه، اول کاتبی که قلم و لوح بیافرید و به اراده خویش امر به کتابت بر لوح نمود
حضرت باری تعالی است؛ تا آنچه از ازل تا ابد باید متعین شود به عینیت ظهور کرده
نظام آفرینش قرار باید.
«قرآن علاوه بر سخن از راز و رمز قلم و لوح، تمام زندگانی انسان را تحت‌الشعاع پدیده
«نوشتن» قرار می‌دهد، آیا خداوند فرشتگان را ناگزیر نکرد که چون کاتبان عمل کنند؟...
کراماً کاتبین (فرشتگان کاتب)» (۷)
بر این اساس اصل کتابت و نوشتار در ساحت وجود علمی، توسط اراده خداوند صورت
پذیرفت، اما به یقین منظور ما از کتابت و نوشتن در عرصه بروز و ظهور عالم شهادت
است و کتاب را بر این معنی می‌شناسیم: آن کس که قلم به دست گرفته یا مرکب بر
صفحه بیاضی، کلمات را خوش بنگارد.
«حروف به گونه‌ای اسرارآمیز با موجودات انسانی پیوند می‌یابند، چنین احساسی به دو
صریح صورت می‌پندد، از سویی، انسان الفبایی عمده گزیده است که معنای آفرینش بدان
وسیله بیان می‌شود، از سوی دیگر، چون خوشنویسان حروف را تعلیم می‌دهند، به
موجودات انسانی شبیه‌اند، بنابراین، احتمال دارد حروف حالت روحی نویسنده را
بازتابانند.» (۸)
برای، همان‌گونه که خلق عالم به اراده حضرت حق جل و علا بازمی‌گردد کتابت و فعل



موسسه خاندان
 ۱۲۰۰
 طبری و خوارزمی و اردبیلی
 دانشگاه تهران
 کتابخانه مرکزی
 تهران

کتابخانه
 خاندان
 طبری و خوارزمی
 اردبیلی
 دانشگاه تهران
 کتابخانه مرکزی
 تهران

کاتب حضرت ابوالفضل
 علی بن ابی طالب
 زین العابدین
 امام حسین
 امام رضا
 امام جواد

قلم بر لوح محفوظ نیز بر همان اراده استوار بوده و هست و خداوند است که فاعل مطلق قلمداد می‌گردد. هر کاتبی که بر سبیل تجلی قلم می‌راند، به یقین از فیض فاعل علی‌الاطلاق بهره‌مند است از تعین اول‌الی‌التهایب‌المخلوق، همه، مکتوب حق بوده و هست. خود گوید و راز خود ز خود می‌شنود از ما و شما بهانه برساخته است

کاتب اول

در سیر خلقی ایجاد، آغارگری که خلیفه حضرت باری تعالی است با عنوان انسان کامل، تکامل‌بخش و مبدع هر پدیده‌ای است که بر همین اساس می‌توان گفت کلبه علوم الهی و هنرهای قدسی و در نهایت تجلیات ملکوتی از رأی و نظر حضرت انسان کامل بهره‌مندند.

دریای کهن چو برزند موجی نو
موجش خوانند و در حقیقت دریاست
«آدمیان زبده و خلاصه کائناتند و میوه درخت، موجوداتند و انسان کامل زبده و خلاصه موجودات آدمیان است. موجودات جمله به یک بار در تحت نظر انسان کاملند، هم به صورت و هم به معنی.» (۹)

با عنایت به نکات فوق در بررسی مدققانه ساخت خط و کتابت و خوشنویسی و با تکیه بر اقوال بزرگان دین و هنر، جامعه بلندپایه خوشنویسان از بدو حضور و دخالت دادن زیبایی در کتابت و مکتوب، پیوند این هندسه روحانی را که به قول افلاطون: «الخط هندسه الروحانیه ظهورت بالة الجسمانیة» (۱۰) است، با امداد از ملکوت عالم نقش بر صحیفه هستی نمودند.

سرمنشأء کتابت

در احوالات معنوی عرفا و علمای اسلامی، روشن است که اکابر وادی ریاضت و افاضل دریای مروت از بحر وجود پرفیض و پرسخاوت ذوات مقدسه بهره بردارند و اعتقاد راسخ بر آن داشته و دارند که اگر سلسله‌ای از فرق مختلفه عرفانیه ختم به اولیای خاص حضرت باری خصوصاً وصی پیامبر اکرم صلی... علیه و آله و سلم نشود، آن فرقه و سلسله در طی مراتب سلوک دچار نقص و نقصان می‌گردند. این طریقت‌ها هرچند که به نام‌های گوناگون خوانده می‌شود ولی در نهایت از یک جا منشعب شده و آن شخص بی‌مانندی چون امیرالمؤمنین، امام‌العارفین حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) است و چنان که اهل طریق می‌دانند هر طریقتی و هر سلسله‌ای که به آن امام همام ختم نشود از لحاظ اعتبار طریقتی خالی و ساقط می‌شود. (۱)

همه خوشنویسان اهل باطن از دور و نزدیک تاریخ، بر این باورند که خوشنویسی سنتی این دیار با سرسلسله کاتبان وحی و عنقای مغرب کتابت، همانا حضرت مولانا و مولی‌الکونین، امام‌الموحدین، یعسوب‌الدین، امیرالمؤمنین، علی‌بن‌ابی‌طالب، روحی و ارواح‌العالمین لتراب مقدمه‌الغدا، پیوند زبانی با گذشته ایام و اکنون این مسیر به وضوح داشته است. بزرگی که قرآن ناطق است و به کلام معجز نظام خویش بارها با ندای «سلونی» همه حق‌طلبان وادی حیرت را متذکر رفعت و شوکت مقام ولایت مطلقه خویش نمود. قال‌النبی(ص) علی مع‌القرآن و القرآن مع علی. علی با قرآن است و قرآن با علی. باشد تا دست توفیق برده از باطن قرآن بردارد، رمز وجود حضرت ختمی‌مرتبت و عی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام هویدا گردد. جمیع‌العلم فی‌القرآن لکن تقاصر عنه افهام‌الرجال (۱۲)

علی (ع) و اقوال خوشنویسان

«در تکامل‌یابی خوشنویسی، ایران نقشی هرچه مهم‌تر داشته است. به روایت معتبر امام اول شیعیان و پسر عم و داماد رسول اکرم (ص) حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب نخستین فردی

بود که به شیوه‌ای شخصی خط معروف به کوفی (منسوب به کوفه) را نوشت. و خوشنویسان بعدی نزدیکی به دل راه ندادند که شجرنامه خود را، نسل پشت نسل، به آن حضرت برسانند همان‌گونه که سلطانه‌ی مهدی در نامه شاعرانه خود اشاره کرده است: «شهرت قلم من مروهون نام علی (ع) است.» بدین ترتیب خوشنویسی میان ایرانیان مقام و معنایی بس متعالی‌تر از نوشتن متون به خط خوش داشت.» (۱۳)

خوشنویسان به حرمت پیشه مقدس خویش که همان بهره‌گیری مکتوب و کتابت از کلام و کلمه است، متفقاً دارای سلسله‌ای در طول تاریخ بوده‌اند و هر کدام به حسب شرایط و موقعیت خویش نام مستعاری را از بطن آن طایفه شریف بر خود مستعار می‌کردند و پشت از پشت از مراد و سرحلقه خوشنویسان بهره بردارند و مراتب سلوک را با حفظ مراتب بی گرفتارند و سخت بر این باورند که زینت کتابت و تجلی روح قداست از زمان نزول آیات نورانی قرآن کریم آغاز گشته است و شفاهاً ترتیب الفاظ به قوت حنجر مقدس حضرت نبوی و مکتوباً ترتیب نوشتار به ید مبسوط حیدر کرار در عالم قابلیت، حضور یافته است. «سوگند به نون و قلم و به عزت پیامبر امی که قلم جز به خاطر او آفریده نشد.» (۱۴)

بازی، در طی مسیر پرفراز و نشیب سیر و سلوک عرفانی خط و تحمل ریاضات و آفره در فراگیری خوشنویسی سنتی، علی‌علیه‌السلام هادی راه و مراد حلقه شیفتگان بوده است که اکنون به تمسک بر مصادیق فراوان که ما بخش کوچکی از آن را تیسماً در قالب مقال ذیل عنوان می‌کنیم به جایگاه رفیع آن بزرگ‌مرد در عرصه خوشنویسی سنتی اشاره می‌نماییم. «هم‌چنین باید به خاطر داشت که چندین تن از پیشگامان زمینه خوشنویسی با به خواب دیدن حضرت علی علیه‌السلام، نظیر میرعلی تبریزی (واضع خط نستعلیق) یا [به خواب دیدن] حضرت خضر علیه‌السلام نظیر سلطانه‌ی مهدی، شیخ حمدالله، هدایت شدند و ایمان [حضرت علی علیه‌السلام و حضرت خضر رحمه‌الله علیه] جهت و مسیر پیشرفت و تکامل شیوه آنان را بدیشان نشان دادند.» (۱۵)

«و اما خواجه جمال‌الدین باقوت علیه‌الرحمة، امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌الصلوة و السلام را در خواب دید؛ فرمودند که قلم را محرف قط بزین؛ خط اوصاف‌تر شد.» (۱۶)

در اشارت حیرت آور نبی اکرم (ص) و علی مرتضی علیه‌السلام در توصیه به کاتبین وحی و خوشنویسان زمان خویش در تأکید «قط محرف» نکاتی بس شگرف نهفته است که چنین مقالی نه جای آن است و طی توفیقی در مقالتی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

«و چون مدتی بدین گذشت در زمان بنی‌عباس شخصی مقله نام، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را در خواب دید و از آن حضرت ارشاد یافت و در خط کوفی تصرف کرد و اندکی از تدویر در آن، خط پدید آورد و مدت خویش گذرانید.» (۱۷)

«قبل از آن‌که خطوط متداوله بر روی کار آید و کارگاه عالم را چون این مرقع به جواهر خطوط و نقوش بدیده بیارید، خطی که دیده اولوالابصار را سرمه‌وار به وحی انهی و اوامر و نواهی رسالت پناهی روشنایی بخشید، خط کوفی بود و ارقام اقلام معجز نظام حضرت شاه ولایت پناه علیه‌السلام در میان است که چشم جان را ضیاء و لوح ضمیر را جلا کرامت می‌فرماید.» (۱۸)

نه تنها حضرت ابوتراب علیه افضل الصلوات‌المصلین سرسلسله و مقتدای همه خوشنویسان اهل باطن و هدایتگر اقلام محرم و پرشوکت آنان است، بلکه به شواهد متعدد تاریخی و متون کهن و قسمی از شهودات بزرگان وادی حیرت، حضرت ایشان از هنرمندان بزرگ و آغازگران این مسیر نورانی است؛ طریقی که پس از ظهور جسمانی پیامبر اکرم (ص) و نزول قرآن کریم، هنرمندان، در واکنش به کلام پرصلابت وحی، دل در پیش داشتند و با



شوربشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تدخل زیبایی و عشق و مهر، علاقه‌مندی و بهره‌مندی‌شان را در جان پروسعت کلمات بر خداوند خویش به بهانه ارسال آخرین رسل ابراز نمودند.

«کوفی به جهت آن گویند که در کوفه پیدا شد و کسی که از همه نیکوتر نوشت حضرت شاه ولایت پناه علی بن ابی طالب علیه‌السلام است، نقل آن کردن و مثل آن نوشتن امکان بشر نیست و به آن معجزه به جز از به جز چاره‌ای نیست.» (۱۹)

تا در زمان بنی‌امیه خط کوفی استخراج کردند و مستخرج آن جماعتی از داناتان کوفه بودند... و چون در آن خط از اکابر و اشراف رغبت و اقبال مشاهده می‌شد خلاق در جودت و تحسین آن خط سعی تمام نمودند. تا نوبت به حضرت بانصرت، حضرت امیرالمؤمنین و امام‌المتقین علی بن ابی طالب رسید و آن حضرت این طایفه را به مرتبه کمال رسانیده و هیچ آفریده مثل خط آن حضرت نتوانست نوشت چه در زمان او چه بعد از او. (۲۰)

اشارات پیامبر و حضرت علی علیهما السلام به خوشنویسی

پس از ذکر شواهد و مصادیق اندک از بسیار که در کتب تاریخی و عرفانی به چشم می‌خورد و ما به قدر کفایت از ارجمندی و درخشش حضرتش بر تارک خوشنویسی سنتی سخن رانده و منظور میسر شد، لازم است که کلامی چند از لسان مبارک حضرت پیامبر و علی علیهما السلام نیز در ترغیب و تشویق خطاطان و خوشنویسان ارائه شود تا به مقصود خویش که حساسیت و لزوم پرداختن به امورات باطنی خط در عین سعی و کوشش در کسب ظاهر و صورت زیبای آن است، نایل آییم:

- «قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: الخط الحسن يزيد الحق وضاحاً خط نيكو شدت ظهور حق را روشن تر می‌سازد.»

- «قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: من كتب بحسن الخط (بسم الله الرحمن الرحيم) دخل الجنة بغير حساب هر کس که با خط خوش کتابت کند (بسم الله الرحمن الرحيم) را، وارد بهشت شود، بدون حساب.» (۲۱)

- «قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: الخط نصف العلم: خط (نوشتن) نیمی از علم است.»

- «قال امير المؤمنين و امام المتقين علي بن ابی طالب عليه السلام: اعلم، ان حسن الخط مخفي في تعليم الاستاد و قوامه في كثرة المشق و تركيب المركبات و بقاءه على المسلم في ترك المنهيات و محافظته لصلوة و اصله في معرفت المفردات بدان حسن خط پنهان است در تعليم استاد، قوام و پختگی آن در زیادی مشق و تركيب حروف مركب است و حيات آن در مسلمان، ترك آنچه نهي شده و محافظت نماز است؛ و اصل خط در فهم مفردات آن است.»

- «قال علي عليه السلام: الخط لسان اليد و بهجة الضمير: خط زبان دست و سرور دل است» و احادیثی ژرف و پرمغز که هر یک پرده از رموزات حروف و حد اقلیم کلمات برمی‌گشاید. همه اقطاب خوشنویسی از آغاز تا اکنون به سروری وی اقرار کرده‌اند و نه تنها حضرت امیر علیه‌السلام را سرحلقه کاتبان نامبردار شمرده‌اند که فرزندان آن بزرگ را که صاحب ولایت مطلقه خاصه‌اند را نیز دایر مدار و محور قلمرانی حکمرانان خطه خوشنویسی سنتی می‌دانند که:

«درود نامحدود بر مرقد منور پیغمبری که اگر مقصود ظهور مصحف وجود او از عالم غیب به عالم شهادت نبودی لوح و قلم پیدا نشدی و اگر غرض حصول اجزای خط آن مصحف نبود در آسمان هیئت، دور و در زمین صورت، سطح هویدا نشدی اعنی محمد مصطفی صلی‌الله علیه و آله و سلم و تحیات زاکیات نثار روح پرفتوح اهل بیت او که نقطه دایره ولایتند.» (۲۲)

علی (ع) و اقوال مفسران

پس از ذکر شریف حضور حضرات ذوات مقدسه علیهما السلام و دخالت جان قدسی آن بزرگواران در خلقت و بهانه خلقت این هندسه روحانی که در رویت اشکال حروف جان مشتاقان را به نور جمال شاهد حقیقی منور می‌گرداند و هیاکل ظاهر را به منتها درجه کمال می‌رساند، حائز عنایت می‌نماید که روح فاتح حضرت مولا را نه تنها در شکل‌گیری دور و سطح حروف مؤثراً دخیل بدانیم بلکه وقوف آن حضرت را در اقلیم بلاغت و فصاحت و معانی ژرف لغات نیز مؤثر دانسته، و با نگاهی عمیق به کتاب بی‌بدیل «نهج‌البلاغه» که دون کلام خالق و فوق کلام مخلوق است، نظری نموده، آشکار شود که اشراف حضرت هم به ظاهر کلمات و هم بر باطن لغات بوده و در هر دو وجه دخالت داشته است تا آن‌جا که به روایت تاریخ در زبان عربی نیز فرمان وی موجب شکل‌گیری و تکامل قواعد آن است.

«نخست قواعد ساده و بسیطی برای زبان عربی و تازی به دستور امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و با کوشش پی‌گیر ابی‌الاسود دؤلی تأسیس شد.» (۲۳)

حضرتش در علم تفسیر و قرائت قرآن کریم، در باب اسباب‌النزول آیات الهی، آیات ناسخ و منسوخ و تقدم و تأخر آن و در جمع آوری قرآن کریم پس از رحلت حضرت ختمی مرتبت (ص) به گفته تاریخ‌نویسان جلودار همه مفریان و صحابه رسول بوده است. و چنان سینه نورانی‌اش مشحون از معارف و علوم لدنی است که بر ندای «سلوئی» همگان را به دعوتی فرا می‌خواند تا سؤال سؤال‌کنندگان را پاسخ گوید و تاکنون هیچ فردی در تاریخ بشریت چنین ادعایی را آشکار نساخته است.

«تعلیمی در تفسیر این آیه کریمه «والسابقون الاولون من المهاجرین والانصار» می‌گوید همه علما همداستانند که نخستین مردی که پس از خدیجه به پیامبر (ص) ایمان آورد

علی بن ابی طالب بود.»



۵

شرح تصاویر:

- تصویر ۱ - سیاه مشق / منسوب به شاگردان میرحسین ترک
- تصویر ۲ - چلبهای نستعلیق / میرعلی هروی
- تصویر ۳ - خط نستعلیق / چلبها / سده سیزدهم
- تصویر ۴ - خط کوفی
- تصویر ۵ - سیاه مشق / خوشنویس ناشناس
- تصویر ۶ - سیاه مشق نستعلیق / میرزا غلامرضا صفهانی

فر ابن عباس روایت شده که گفته است: نه دهم علم به علی بن ابی طالب داده شده است و سوگند به خدا که در یک دهم باقی مانده نیز با دیگران شریک است» (۲۵)
 «علم تفسیر هم به حضرت استناد دارد. زیرا ابن عباس در تفسیر، شاگرد علی علیه السلام بوده است. وی می گوید: امیرالمؤمنین (ع) تنها در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحیم» از آغاز تا پایان شب برای من سخن گفت» (۲۶)
 «علی علیه السلام فرمود: سوگند به خدا هیچ آیه ای نازل نشد جز آن که درست می دانم درباره چه موضوع و مسئله ای و درباره چه کسی و در کجا و کدام نقطه از سرزمین نزول یافته است» (۲۸)

تمام فریقین به خاطر همین نکته امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به عنوان توانا ترین و آگاه ترین فرد در تفسیر قرآن کریم برشمرده اند چرا که آن حضرت به طور دقیق و عمیق و گسترده بیش از دیگران از اسباب انزول مطلع بوده است» (۲۹)
 «قال علی علیه السلام: سلونی فوالله لا تسألونی عن شیء الا اخبرتکم و سلونی عن کتاب الله مردم پرشی های خود را با من در میان گذارید، چرا که سوگند به خداوند، هرچه از من بپرسید گزارش آن را بازگو کنم و شما را مطلع سازم و هرگونه سوالی راجع به قرآن کریم را نیز با من مطرح سازید» (۳۰)

شهرت علی علیه السلام در حیطة و قلمرو هر علم و عملی جایگاهی ویژه دارد تا آنجا که به رای همه اندیشمندان، بزرگترین امت، پس از پیامبر ختمی مرتبت بوده و هست.
 آنجا که بحر نامتناهی است موجزن
 شاید که شبنمی بکند قصد آشنا
 بازی با این مقدمه مشهود است که وجود نازنین و بزرگش از ازل صحنه گیتی را معطر ساخته است.

کاتب حقیقی اول در عالم شهود

در خوشنویسی سنتی، مراحل در تکمیل خط توسط بزرگان قدما یافت می شود که به اصول و قواعد دوازدهگانه معروف است و سالک راه پس از طی این مراحل به مقام استادی رسیده در مردم، سمت هدایتگری را زب وجود خویش می سازد و پس از سلوک در منازل قواعد دوازدهگانه صاحب شأن می گردد و شأن مرحله ای از آخرین مراحل این قواعد است که کاتب همه مقدمات فنی خوشنویسی را فرا گرفته و دیگر، حروف در جان و باطن وی مؤثر می گردد تا حدی که صاحب منشی خاص و درخور تحسین می گردد. در برخی از رسائل از شأن چنین یاد کرده اند که: آن که صاحب شأن شود در صورت و وجه وی، وجدی رویت می شود که درک باطن وی از صورت ظاهر رویش و صورت خطش نمایان می گردد. پس از کسب رتبت شأن «استاد» خوشنویسی با غور و بررسی و رجوع همه هنر خویش به مبدا اصلی آن و کاتب حقیقی اول هر فعلی را از قاعده مطلق می داند، که از اثر چنین تفکری خط وی صاحب «صفا» می گردد.
 پس از کسب مدارج عالیّه خوشنویسی همه اکابر و اعظام این هنر شریف بر این مهم قائلند



که بلند پایترین خوشنویس آن است که در عین تصرف در شاکله صور و هندسه موجود در خط، بیشترین بهره مندی را از باطن کلمات و مفاهیم و معانی لغات دارا باشد. فی الواقع وقوف بر ظاهر و صورت کلمات و وقوف بر باطن و معانی آن دو بالی است که کاتب را در پرواز به سوی جاودانگی و ماندگاری خود و اثرش یاری می رساند و اگر قصوری در یکی از دو رکن اصلی حاصل آید، کاتب صاحب صفا و شأن و امتزاج این هر دو که نه کار هر نیم پخته و خامی است، نمی گردد. به زبان دیگر و به وجهی دیگر، هرچه کاتب روحش از جان کلمات بهره گیرد، قوت تأثیر خطش در بیننده و مخاطب بیشتر و افزون می گردد.

در حال پس از بررسی جایگاه والای مولای مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام که از وجهی در عباد کاتبان مستمر وحی قلمداد گردیده، و از وجوهی مفسر کبیر قرآن و کلام الهی و سنت نبوی بوده، حضرتش در هر علمی سرحلقه و محرک آن علم و تفکر بوده، خاصه علومی که در بستر کلام و کلمه تحقق یافته است، در علم تأویل زرف اندیشی وی زیانزد دوست و دشمن بوده، و در خوشنویسی از پیشگامان اقلیم خوشنویسی محسوب شده است، از این همه بدین نتیجه نائل می گردیم که او، تنها فردی در همه زمان هاست عموماً، و خصوصاً در زمان پیامبر اسلام (ص) که در هنگام کتابت وحی بهترین و درست ترین دریافت را از کلام الهی داشته است، و مقربم که بر

سباق و سنت خوشنویسان اسلامی، وی بلند پایترین خوشنویسان است. گرچه در زمان حیات وی کاتبان دیگری بر ثبت کلام الهی کوشیده اند و حتی مفسرین دیگری در کنار وی حضور داشته اند، اما او تنها کسی است که کتابت را به بهترین وجه و با درست ترین درک از کلمات جاری ساخته است تا آنجا که به جایگاه رفیع ایشان چه در عالم صورت و چه در باطن کلام و کلمات از آن زمان الی یوم الحشر هیچ کاتبی به قدر و منزلت ایشان دست نیافته است.

نتیجه آن که علی علیه السلام کاتب حقیقی عالم در باطن حقیقت محمدیه (ص) و اول کاتب عالم شهادت یا حفظ مراتب حقیقی کتابت قلمداد می گردد.

پس به یقین همه خوشنویسی اسلامی، مروه وجود مبارک و عظیم الشان وی بوده و هست و تا آخرین زمان و زمان آخر همه خطوط، وامدار پنجه گرم و «صفا»ی وجود وی است و هر خط نوپیدایی که سر از بستر هر زمانی، از پس هر موهبتی نوپدید بیرون کند بهره از کاتب اول و کاتب حقیقی بوده است و هیچ کاتب و قلمی بدون اذن از محضر مبارکش نتواند به جاودانگی و دوام دست یازیده و مورد اقبال واقع گردد.

پس از ذکر اوصاف بی بدیل آن حضرت بر هر خوشنویسی واجب می نماید که در کسب بدایات و نهایت خوشنویسی به ظاهر این هنر شریف بدون عنایت به باطن آن نپردازد و اگر در پی رضایت محبوب ازلی است و چشم بر افاضه خلایق از جانب خداوند متعال دوخته است و چون محقق در کشف صور روحانی حروف سیر و کنکاش می کند و به جستار رمز و رموز عالم حروف دل می سپارد، نیک بداند که بدون تمسک به ساحت مقدس حضرت مولا علی بن ابی طالب (۳۱) علیه السلام جمال زیبای خط و رویت روی شاهد حقیقی مکشوف وجود نگشته و نمی گردد. پس به مصداق «کل شیء یرجع الی اصله» می یابست تلاش خویش مصروف پرهیز از صفات ذمیمه کرده، در کسب صفات حمیدیه کوشش کند تا قابل فیوضات رحمانی گشته، از پنجه شریفش، خطی تراوش کند که چون این مقله بیضای و علی بن هلال (ابن بواب) و میرعلی تبریزی و در نهایت میرعماد الحسنی سیفی قزوینی، در تاریخ پاک و باصفای خوشنویسی سنتی ایرانی با جاودانگی در تلطیف جان مخاطب، عالمی را به تصرف خویش معنا بخشد، باشد که این حروف پاک به جایگاه اولیه اش بازگردد.

الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة علی بن ابی طالب علیه السلام.

دی شان زده آن ماه، خم گیسو را بر چهره نهاد زلف عنبر بو را
 پوشیده بدین حیل رخ نیکو را تا هر که نه محرم، نشناسد او را

پی نوشت ها:

- ۱- لودی شیرعلی خان، مرآت الخیال ترجمه حمید حسینی، انتشارات روزنه ص ۳۱۱
- ۲- شیمیل آنصاری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی ترجمه دکتر مهناز شایسته نگر، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ص ۱۱
- ۳- سوره فم (آیه ۱۲)
- ۴- راهجیری، علی تذکره خوشنویسان ص ۱۴
- ۵- همان
- ۶- شیمیل آنصاری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی ص ۱۲
- ۷- همان ص ۱۲۶
- ۸- شیمیل آنصاری، فرهنگ و خوشنویسی اسلامی ترجمه دکتر اسدالله آزاد، ص ۱۷۸
- ۹- نسفی عزالدین، کتابالانسان التکامل قسم انسان کامل، کتابخانه طهری، ص ۵
- ۱۰- قلیچ خلی رسالاتی در خوشنویسی به نقل از میرعلی هروی، انتشارات روزنه ص ۵
- ۱۱- محمدی، کلام کتاب علاءالدوله سمنانی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ص ۲۲۶
- ۱۲- لودی، شیرعلی خان، مرآت الخیال ص ۴
- ۱۳- فرید، دیلو، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مزینان، فرزاد روز، ۱۳۷۴، ص ۲۶ به نقل از آنصاری شیمیل
- ۱۴- شیمیل آنصاری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی ترجمه دکتر مهناز شایسته نگر، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۴۱، به نقل از مناقب هنروران
- ۱۵- شیمیل آنصاری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی ص ۸۲
- ۱۶- قلیچ خلی رسالاتی در خوشنویسی به نقل از میرعلی هروی، انتشارات روزنه ص ۱۵۵
- ۱۷- قلیچ خلی رسالاتی در خوشنویسی، مقاله اصول و قواعد خطوط سنه نوشته فتح، سزوری، انتشارات روزنه ص ۲۲۹
- ۱۸- قلیچ خلی رسالاتی در خوشنویسی، به نقل از قطبالدین محمد فصخوان، انتشارات روزنه ص ۱۵۵
- ۱۹- قلیچ خلی رسالاتی در خوشنویسی، مقاله مدادالخطوط نوشته میرعلی هروی، انتشارات روزنه ص ۶
- ۲۰- قلیچ خلی رسالاتی در خوشنویسی، مقاله اصول و قواعد خطوط سنه نوشته فتح، سزوری، انتشارات روزنه
- ۲۱- تحقیقات خطاطین، مستطیرزاده ص ۱۰
- ۲۲- رساله ادبالمشوق میرعمادالحسنی سیفی قزوینی، به خط استاد کیخسرو خروش، انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۵۲ شمسی
- ۲۳- حجتی سیدمحمدباقر، پژوهش در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۴۶۵
- ۲۴- توبه ۱۰۰
- ۲۵- شیخ مظفر در «دلائل الصدق» ۲، ص ۲۷۱ می گوید: از آنجا که علی علیه السلام سابق و صدیق این امت است پس به امانت بهترین و شایسته ترین ایشان می باشد، به نقل از ترجمه کشفالبیّن فی فضائل امیرالمؤمنین، یوسف بن مطهر حلّی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲۶- ترجمه کشفالبیّن فی فضائل امیرالمؤمنین، یوسف بن مطهر حلّی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲۷- حجتی سیدمحمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۳
- ۲۸- همان
- ۲۹- حجتی سیدمحمدباقر، اسباب انزول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۷۴
- ۳۰- همان
- ۳۱- منظور از تمسک به ساحت مقدس حضرت امیر علیه السلام، از حیث نگرش مذهبی صرف و نگاه سطحی نبوده و نیست بلکه رویت حضرت به عنوان انسان کامل و حقیقت عالی موجود در نظام آفرینش است.